

منهای فوتبال

کشتی و مجمعی که دوقطبی شد



کشتی بالاخره امروز بعداز گذشت هشت ماه از استعفای رسول خادم، رئیس چهار سال آینده خودرأمی شناسد.مجمعی که برای برگزار شدن حسابی ناز کرد و البته کاندیداهایی که هنوز تایید صلاحیت‌شان هم مشخص نبود تا می توانستند به هم تاختند، تنش ها درباره انتخابات کشتی تا جایی بالا گرفت که دیگر رضا صالحی امیری رییس کمیته ملی المپیک در دیداری که با لالوویچ رییس اتحادیه جهانی داشت، به او قول داد که تا پایان تیر تکلیف رییس آینده کشتی مشخص شود. قولی که به سرانجام رسید و پس از مدتی تاریخ ۲۶ تیر برای مجمع کشتی در نظر گرفته شد. این تاریخ در حالی تعیین شد که تا دو شب قبل از مجمع سه نامزد اصلی رقابت‌ها یعنی علیرضا دبیر، عباس جدیدی و امیررضا خادم که البته حواشی بسیاری داشت، تایید صلاحیت نشده بودند. تا اینکه دوشنبه شب اعلام شد دبیر می تواند وارد رقابت شود. تایید صلاحیت شدن دبیر باعث شد که مجمع امروز یک جورهایی از حالت تک‌قطبی دربیاید. با اینکه دبیر به خاطر محرز نشدن صلاحیتش فرصت تبلیغ و رای جمع کردن را نداشت ولی نام آشنای او برای کشتی کافی است تا یک پای رقابت امروز باشد.
تاپیش از این حمیدبنی تمیم به عنوان اصلی ترین گزینه هدایت فدراسیون مطرح شده بود. کسی که از حمایت رسول خادم هم بر خوردار است و حتی شنیده شد که رسول از نفوذش برای به کرسی نشاندن بنی تمیم در دستگاهای نظارتی استفاده کرده است. انتخابات کشتی آنقدر برای ورزش کشور و به خصوص اهالی این رشته حائز اهمیت است که حتی حمید سوریان که بعد از المپیک ریو مصاحبه‌هایش به تعداد انگشتان یک دست هم نرسید، قفل سکوئش را شکست. او که از تایید صلاحیت شدن دبیر خوشحال به نظر می‌رسد، ابراز امیدواری کرد کشتی توسط نام‌آوران کشتی مدیریت شود. سیداصغر آزروره، جاسم امیری، حمید بنی تمیم، علی اکبر جیرم‌سرای، علیرضا دبیر، حمیدرضا صالحی و عبدالمهدی نصیرزاده کاندیداهای مجمع کشتی هستند که امروز از ساعت ۱۰ صبح در محل آکادمی ملی المپیک برگزار می‌شود.



مجمع پنهانی

برای رای جمع کردن؟

۲۷ آذر سال ۹۷ مجمع سالانه فدراسیون والیبال برگزار شدو حسابرس مستقل در فدراسیون گزارش خود را ارائه کرد و در ادامه مرتضی گرابلی سرپرست خزانه‌داری به تشریح عملکرد مالی فدراسیون والیبال در سال ۱۳۹۶ پرداخت. بعداز این بخش رای گیری درباره عملکرد مالی انجام شد که با اکثریت آرا مورد تایید قرار گرفت.
حالاییش از یک ماه از دوران سرپرستی قانونی افشین داوری گذشته و تقریبا تمام ارکان فدراسیون باتلکلیف است.در شرایطی که همه باتوجه به اظهارات قبلی داوری و داورزنی مبنی بر آغاز ثبت نام پس از پایان لیگ ملت‌ها حتی در تاریخ ۲۵ تیر که البته رخ نداد، منتظر برگزاری انتخابات هستند، سرپرست فدراسیون در اقدامی بحث برانگیز به دنبال برگزاری مجمع عمومی است؛ آن هم مجمعی که ظاهراقرار است در سکوت کامل خبری بر گزار شود! شنیده شده که این مجمع قرار است به میزبانی مشهد برگزار شود. فارغ از اینکه چرا پیش از برگزاری مجمع عمومی تکلیف هیات‌های خراسان رضوی، خراسان شمالی، آذربایجان غربی، تهران و ... مشخص نمی‌شود، باید پرسید که لزوم برگزاری این مجمع چیست؟ در شرایط اقتصادی کنونی چالزومی داشت که این مجمع به میزبانی مشهد برگزار شود؟ در این مجمع چه موضوعاتی مطرح شود؟ برگزاری مجمع آن هم در شرایط کنونی شبیهانی ایجاد کرده مبنی بر اینکه آقای سرپرست تصمیم دارد با پول فدراسیون برای خود میتینگ تبلیغاتی برگزار کند! به هر حال داوری در برخی محافل رسمی و غیررسمی نشان داده که برای نشستن روی صندلی ریاست فدراسیون والیبال چندان هم بی‌علاقه نیست. به خصوص که شنیده شده وزارت ورزش قرار است سرپرستی برای والیبال بگذارد تا به این ترتیب منعی برای ثبت نام داوری نباشد.

درباره شاهکار آبی ها و مهاجمی که ثروتمند شد

میلیاردر ساحل نشین!

«مشکل استقلال در پرونده پروپیچ سرانجام حل شد.» این جمله بیشتر به دردموافتی می خورد که یک باشگاه توانسته باشد مشکل حقوقی اش را با کم ترین میزان خسارت بر طرف کند. در مورد استقلال و مهاجم کروات عملا هیچ چیز «حل» نشده است. آبی ها به دلیل بی توجهی به پرونده شکایت او، مجبور شدند ۱۰ برابر مطالبات اولیه پروپیچ را به این بازیکن خسارت پرداخت کنند. پرونده ای که این بار از نمای نزدیک، شاهکارهای خاص مدیریت فوتبال در ایران را آشکار کرده است.



به مهاجم سابقش شد که باهزینه ای کم تر از این، به سادگی می توانست از انتقال باتوسی به بنی یاس امارات جلوگیری کند و این بازیکن را حداقل برای یک فصل دیگر در تیم نگه دارد. وسط این معادله، اماراتی ها توانستند از مشکلات همیشگی مدیریت فوتبال ایران استفاده کنند و یک صید جذاب در بازار تابستانی نقل و انتقالات داشته باشند. پرونده پروپیچ به طور کامل همه

آزباطاری

چیز را در مورد سطح مدیریت فوتبال در ایران توضیح می دهد. او نه اولین بازیکنی است که چنین شرایطی برای یک باشگاه ایرانی به وجود می آورد و نه آخرین بازیکنی خواهد بود که به استفاده از حق قانونی اش، چنین ضربه مهلکی به یک باشگاه ایرانی می زند. پروپیچ در روزهای حضور پرویز مظلومی روی نیمکت استقلال در لیگ پانزدهم با سرودهای زیاد به این باشگاه پیوست. از

اتفاق روز

پایان شایان و سروش در پرسپولیس

کالدون فانتزی باز نمی خواهد!

در روزهای گذشته گمانه زنی های زیادی در مورد فهرست مازاد باشگاه پرسپولیس به گوش می رسید. از حسین ماهینی و شایان مصلح به عنوان جدی ترین گزینه های قرار گرفتن در لیست مازاد نام برده می شد اما سرانجام از بین این دو نفر، تنها یکی توسط کالدرون در اختیار باشگاه قرار داده شد تا حسین ماهینی به بازی در جمع سرخپوشان ادامه بدهد. خط خوردن شایان از فهرست کالدرون تا حدود زیادی قابل پیش بینی به نظر می رسید. چرا که این تیم در سمت چپ خط دفاعی محمد نادری و محمد انصاری را در اختیار دارد و نیازی به یک بازیکن دیگر در این پست احساس نمی کند. شایان مهره تعویضی مورد علاقه برانکو بود و به خاطر قد و قامتش گاهی در خط حمله نیز به بازی گرفته می شد اما حالا دیگر دوران حضور ستاره سابق سپیدرود در پرسپولیس تمام شده و او به زودی تیم جدیدش را انتخاب خواهد کرد. قرار گرفتن نام مصلح در

سؤزه روز

نگاهی به یک حسرت بزرگ برای فوتبال ایران

بنفیکای گمشده ما!

آزبا رهنورد

بخش مهمی از هياهو ی نقل و انتقالات در باشگاه های مختلف، به ورود مهره های جدید مربوط می شود اما زیر پوست این انتقال های پرسروصدا، ماجرای دیگری نیز در جریان است. باشگاه های فوتبال ایران به سادگی ستاره های شان را از دست می دهند و به ندرت از راه فروش این ستاره ها در آمد کسب می کنند. پیوستن الهیار به فتر باغچه انتقالی بود که باشگاه ایرانی این بازیکن را صاحب در آمد کرد اما در هر فصل چند قرار داد شبیه به این برای فوتبال ایران بسته می شود؟ حالا که همه راه های در آمدزایی مسدود شده اند، بهتر نیست باشگاه های ایرانی حداقل در آمدزایی ناشی از فروش ستاره های تیم شان را کمی جدی تر بگیرند؟ در آغاز یک فصل تازه، «درآمدزایی» و فقدان پول برای انجام کارهای بزرگ به چالش در دسر ساز

تهنادر سه مسابقه با استقلال خوزستان، سایپا و فولاد موفق به گل زنی شده بود. استقلال ای ها دیگر تمایلی به حفظ این بازیکن نداشتند اما هنوز یک فصل از قرارداد او با باشگاه باقی مانده بود. مهاجم کروات در همان مقطع، حاضر بود با پرداخت ۳۰ هزار دلار قراردادش را فسخ کند و به مجادله پایان بدهد. با قیمت آن روزهای دلار، رقم فسخ قرارداد این بازیکن با استقلال، حتی به صد میلیون تومان هم نمی رسید. حالا اما همین باشگاه نزدیک به پنج میلیارد تومان به این مهاجم پرداخت کرده و در عین حال از «حل شدن» معضلی به نام پروپیچ صحبت می کند!

پس از ترک استقلال، پروپیچ به فیفا شکایت کرد تا باشگاه محکوم به پرداخت ۴۳۰ هزار دلار، به این بازیکن باشد. این اتفاق در دوران مدیریت افشارزاده شکل گرفت اما بی توجهی نسبت به این پرونده خطرناک، به مدیران بعدی باشگاه نیز سرایت کرد. در دوران مدیریت افتخاری، عملا هیچ تلاشی برای پایان دادن به این پرونده صورت نگرفت. پندار توفیقی در آن مقطع زمانی اصرار داشت که قرار داد بازیکن کروات بد بسته شده و فیفا نمی تواند با این قرارداد در دسری برای استقلال به وجود بیاورد. حتی همین حالا اگر مدیران باشگاه «مجبور» نبودند و خطر جدی حذف از لیگ قهرمانان را احساس نمی کردند، امکان نداشت زیر بار پرداخت رقم مد نظر فیفا بروند. در همه این مدت، پروپیچ مشغول آفتاب گرفتن در ساحل و انتشار پست تفریح کردن در فضای مجازی بود. او به خوبی می دانست که اگر به تیم دیگری منتقل نشود، باشگاه استقلال موظف است حقوقش را تا آخرین روز

مهاجم کروات در همان مقطع، حاضر بود با پرداخت ۳۰ هزار دلار قراردادش را فسخ کند و به مجادله پایان بدهد. با قیمت آن روزهای دلار، رقم فسخ قرارداد این بازیکن با استقلال، حتی به صد میلیون تومان هم نمی رسید

قرارداد پرداخت کند. اگر قرار به پرداخت کامل حقوق این بازیکن بود، باشگاه می توانست حداقل او را تا پایان مهلت قرارداد در ایران نگه دارد و اگر قرار به جدایی بود، باز هم باشگاه می توانست این بازیکن را برای فسخ تحت فشار بگذارد. هیچ کدام از این دو اتفاق امارخ نداد و در نهایت همه چیز علیه استقلال رقم خورد. حتی یک پرونده شبیه به این در هر نقطه ای از دنیا، به محکومیت جدی مدیران باشگاه می انجامد اما مدیران سابق استقلال همچنان هیچ قصوری را بر عهده نمی گیرند. فوتبال ایران بارها با پرونده هایی شبیه به این مواجه شده و باز هم مواجه خواهد شد. همین حالا پرسپولیس ها سؤزه شکایت برانکو و بودیمیر به فیفا هستند اما بایی توجهی مثال زدنی شان، به فعالیت در بازار نقل و انتقالات می پردازند!

بر اساس آخرین تغییرات آئین نامه انضباطی جدید فیفا، باشگاه هایی که حقوق مهره های شان را نپزدانند با محرومیت های سنگینی مواجه خواهند شد. فیفا حتی محرومیت از پنج نقل و انتقالات را در میان جرایم تنبیهی برای عدم پرداخت مطالبات بازیکنان



پرسپولیس هم به میدان برود. سطح آمادگی او در تمرین ها آنقدر بالا نبوده که نظر مثبت سرمربی جدید تیم را به دست

بیاورد. مهره هایی مثل ماهینی، ربیع خواه و شریفی هنوز بخشی از پرسپولیس هستند اما سروش با وجود محبوبیت روی سکو ها، دیگر جایی در این تیم ندارد. حالا این احتمال وجود دارد که او به سیاهان ملحق شود و دوباره زیر نظر امیر قلعه نویی بازی کند. تراکتور نیز بدون تردید از مشتریان این بازیکن تکنیکی خواهد بود. پرسپولیس یکی از ستاره هایش را با وجود قرارداد داشتن در بازار نقل و انتقالات قرار داده است. آیا کالدرون پای این تصمیم خواهد ایستاد.



دیگر، رفیعی دیگر شانسش برای حضور در پرسپولیس نخواهد داشت.

یک تصمیم اشتباه، سروش رفیعی را به وضعیت امروز دچار کرده است. او در پایان لیگ شانزدهم در اوج دوران فوتبالتش قرار داشت و در فرم فوق العاده ای بود اما راهی قطر شد و پس از حضور در لیگ ستارگان، دیگر هرگز کیفیت سابقش را به دست نیاورد. در بازگشت به فوتبال ایران، او چند ماه ناامید کننده را در فولاد گذراند و در پرسپولیس نیز هرگز به کیفیت سابقش برنگشت. بازیکنی که از کادر فنی تیم ملی به خاطر دعوت نشدن به این تیم انتقاد می کرد، حالا دیگر نمی تواند برای

نیاز مبرمی به فروش نفرت‌شان احساس نکنند

و به اندازه کافی برای خرید ستاره های تاز هوارد پول داشته باشند اما در لیگ های متوسط تر اروپا، یک باشگاه برای دوام آوردن و ادامه دادن به رقابت سنگین، باید در آمد قابل توجهی را از راه فروش بازیکنانش به دست بیاورد. بخش مهمی از معادله های مالی یک باشگاه در لیگ هایی مثل فرانسه و پرغال که نسبت به سطح اول اروپا لیگ هایی درجه دو محسوب می شوند، به فروش بازیکنان گره خورده است. حتی تیم های متوسط تر در لیگ های انگلیس، اسپانیا، آلمان و ایتالیا نیز هر سال بخش مهمی از در آمدشان را از همین طریق کسب می کنند. باشگاه های فوتبال ایران اما در حالی مهم ترین بازیکنان شان را به فروش می رسانند که خبری از در آمدزایی برای این انتقال هانیست. پرسپولیس در روزهای محرومیت از نقل و انتقالات، چهار مهره فیکس را بدون دریافت حتی یک ریال به فروش رساند. درست مثل استقلال که در سال های متمادی بازیکنانش را بدون دریافت پول از دست داده است. این روند در همه باشگاه های دیگر نیز دیده می شود. باشگاه هایی که نمی توانند از در آیی شان محافظت کنند و آنها را «به قیمت» در اختیار

دیگران قرار بدهند.

ویکتور لیندلوف را به یونایتد، رناتو سلانچز را به بایرن، نلسون سم دو را به بارسا و داوید لوئیز را به چلسی فروخته اند و از این راه ۲۹۶ میلیون یورو در آمد کسب کرده اند. جالب اینجاست که قیمت مجموع خرید همه این بازیکن ها برای باشگاه پرتغالی تنها پنج میلیون یورو بوده است. در واقع این تیم از راه فروش این چند ستاره ۲۹۱ میلیون یورو سود خالص به دست آورده است! آن چه بنفیکا انجام می دهد شباهت زیادی به «جادوگری» دارد. سیستم بی نقص استعدادیابی، فاصله گرفتن از فساد مالی و مدیریت درست و اصولی، موجب شده نیازهای مالی اش را به راحتی بر طرف کند. در ایران هم البته نوعی از «جادوگری» در جریان است. باشگاه ها بازیکنان را با اراقامی سرسام آور می خرنند، با آنها قرارداد یک ساله می بندند، تا پایان فصل و آزاد شدن این بازیکنان هیچ مذاکره ای با آنها انجام نمی دهند و سرانجام این مهره ها را به صورت رایگان در اختیار تیم های دیگر می گذارند. سود حاصل از فروش بازیکن هادر بسیاری از باشگاه های ایرانی، از مدت ها روی عدد صفر متوقف شده است. به صورت همزمان اما همین باشگاه ها از مسدود بودن راه های در آمدزایی در فوتبال گلایه دارند!